



شایسته سالاری در سیره مدیریتی امام علی علیه السلام

رضوان السادات جزایری*

چکیده مقاله

حضرت علی علیه السلام در حدود ۲ سال و نه ماه در رأس مدیریت جامعه اسلامی قرار گرفتند. در این مدت در گفتار و عملکرد خویش الگویی جامع و کامل برای شایسته سالاری ارائه داده‌اند. از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام رهبری و پست‌های مدیریتی از آن نوع کارهایی هستند که باید با توجه به تعهد، تقوا، توان، خلاقیت، تخصص و شایستگی به اشخاص واگذار گردد. در یک سیستم سیاسی، شخصی مستحق مدیریت شدن است که بهترین و بیشترین کفایت را در انجام امور از خود نشان دهد. برترین آفت یک نظام، عدم رعایت شایستگی و اهلیت در مدیریت است. حضرت علی علیه السلام برای بنیان و پایداری یک نظام سیاسی کارآمد و مطلوب، رعایت اصل سپردن امور به افراد شایسته‌تر را لازم دانسته و ثمرات گزینش کارگزاران بنا بر معیارهای مقبول را موجب جلب اعتماد عمومی، اصلاح مفاسد و سر و سامان یافتن امور می‌شناختند.

* عضو هیأت علمی گروه مشاوره و راهنمایی دانشگاه اصفهان

مقدمه

سیره ائمه «علیهم السلام»، سیره تربیت و هدایت عملی انسان و جامعه است. آنها با عمل خود انسان و جامعه را تربیت و با ارائه الگویی تمام و کامل دلها را از محبت خویش پر نمودند تا جوامع و انسانها با پیروی از سیره عملی آنها در مسیر کمال قرار گیرند.

سیره ائمه «علیهم السلام» دارای ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، خانوادگی، اقتصادی و مدیریتی است و تمام ابعاد مورد نیاز انسانها و جوامع را در رسیدن به مقصد نهایی شامل می‌شود. در بین ائمه «علیهم السلام» امام علی علیه السلام در مدتی که حکومت جامعه اسلامی را در اختیار داشتند، سیره مدیریتی دینی کامل و جامعی را در مقایسه با یقیه ائمه، که امکان حکومت در اختیار آنها قرار نگرفت از خود بر جای گذاشت و می‌طلبد که امروزه برای نسل انقلاب اسلامی تبیین گردد. این مقاله بر آن است که در سیره مدیریتی امام علی علیه السلام اصل شایسته‌سالاری را که از مؤلفه‌های مهم مدیریت است مورد بررسی قرار دهد.

مسئولیت و مدیریت به عنوان یک امانت

مسئولیت‌ها، امانت‌های بسیار مهمی هستند که باید به اهلس سپرده شود. آنان که بدون داشتن شایستگی‌های لازم، خود را در مقام اداره امور قرار می‌دهند یا آنهایی که افراد را بدون شایستگی‌های لازم برای اداره امور می‌گمارند، بالاترین خیانتها را مرتکب شده و سبب هلاکت خود و دیگران می‌شوند و در دنیا و آخرت مبعوضند. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به قاضی منصوب خود در اهواز نوشته‌اند که:

«و اعلم یا رفاعه ان هذه الاماره امانة فن جعلها خيانة فعليه لعنة الله الی یوم القیامه و من استعمل خائناً فان محمداً صلی الله علیه و آله بریء منه فی الدنیا و الآخرة»^۱

۱- ابو حنیفه النعمان بن محمد التمیمی: دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، جلد دوم، القاہرہ، دارالمعارف، ۱۳۸۹ ق، ص ۵۳۱

ای رفاعه بدان که این حکومت امانتی است که هر کس به آن خیانت کند، لعنت خداوند را تا روز قیامت به همراه خواهد داشت و هر کس خیانت کاری را به کار گیرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت از او بیزار است .

تلاش حضرت علی علیه السلام بر این بود که کارگزاران ایشان در شهرهای مختلف، بخوبی دریابند که مسئولیتی که به آنها سپرده شده است یک امانت است، آن هم یک امانت الهی که به به عهده آنها گذاشته شده است.

مورد دیگر اینکه حضرت علی علیه السلام در نامه خود به «اشعث بن قیس» فرماندار آذربایجان می فرماید:

«و ان عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک امانه»

همانا پست و مقام برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی برگردن تو است.^۱ البته باید گفت که امانت اشکال متفاوتی دارد بنابراین این میزان مسئولیت و تعهد در مقابل آن نیز متفاوت خواهد بود. گاهی امانت به صورت اموال عمومی است و گاهی مال شخصی است که نزد کسی به امانت سپرده می شود و گاهی اسرار و رازهای درونی و شخصی افراد است زمانی نیز مدیریت و حاکمیت اجتماعی است. از دیدگاه امام علی علیه السلام، مسئولیتها، امانتهایی سنگین از جانب خدا و مردم است که باید به افراد شایسته و لایق سپرده شود.

و من استهان بالامانة و رتع فی الخيانة و لم یزده نفسه و دینه عنها، فقد احل بنفسه الذل و الحزی فی الدنیا، و هو فی الاخره اذل و اخزی. و ان اعظم الخيانة خیانه... الامه، و افطع الغش غش الائمة.

کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری دنیا را به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود و همانا بزرگترین خیانت! خیانت به ملت، و رسواترین دغلكاری و دغلبازی با امامان است.^۲

ضرورت شایسته سالاری در مدیریت

۱- نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹، نامه ۵، ص ۴۸۴.

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۶، ص ۵۰۸.





مسئولیت اداره هر کاری، از بالاترین امور که منصب امامت و رهبری مردمان است تا پایین ترین امور، باید بر اساس رعایت شایستگی‌ها باشد و چنانچه این اصل مهم زیر پا گذاشته شود، شیرازه امور از هم می‌پاشد و هیچ کاری به مقصد نمی‌رسد. به عقیده امام علی علیه السلام، مسأله توان و لیاقت و شایستگی افراد در نظام سیاسی، مهمترین اصل برای اداره جوامع بشری است. امام برای پیاده کردن این اصل در جامعه و نظام سیاسی خویش، ابتدا از خود شروع می‌کند و به این نکته می‌پردازد که آیا لیاقت رهبری جامعه اسلامی را دارا می‌باشند یا اینکه اشخاص لایق‌تر از ایشان، برای این امر وجود دارند. امام علی علیه السلام قبل از خلافت، با بیان دهها دلیل عقلی، استدلال می‌کند که لایق‌ترین فرد برای حکومت هستند و گاهی به صورت پرسش و پاسخ در خطاب به مردم برتریهای خود را بر می‌شمارد.^۱

در نظر حضرت علی علیه السلام رهبری جامعه و تمام پست‌های مدیریتی و سیاسی، کارهای تخصصی ویژه‌ای هستند که هر کدام افراد خاص خود را می‌طلبد و هر پستی به تناسب نیاز خلایقیت، شایستگی و تخصص ویژه‌ای که دارد و جایز نیست که افراد متناسب با نیاز سایر پستها و مشاغل متصدی آنها شوند. زیرا در آن صورت نمی‌توان به یک نظام سیاسی مطلوب دست یافت.

حضرت علی علیه السلام مدیریت جامعه و اداره آن را به قطب وسط آسیاب و محور آن تشبیه کرده‌اند. «ان محلی منها محل القطب من الریح»^۲ همچنان که سنگ آسیاب فقط حول محور خود به چرخش در می‌آید و در صورت بزرگتر و یا نامناسب بودن محور، سنگ نمی‌چرخد و یا در صورت ضعیف بودن می‌شکند، مدیران جامعه و نخبگان نیز محورهای چرخش جامعه هستند که باید هر کدام برای شغل و منصب خود مناسب بوده و از توان، خلایقیت و شایستگی لازم برخوردار باشند در غیر اینصورت ضعف، نارسایی، بی‌عدالتی، بی‌قانونی جامعه و تشکیلات اداری را فرا گرفته و آن را

۱- محمد باقر المحمودی: نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، جلد ۱، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، مؤسسه التضامن الفکری، ۱۳۸۵ - ۱۳۷۹، ص ۵۰ و ۱۰۵.
 ۲- ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الجزء الاول، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م، ص ۱۵۱.

به انحطاط می‌کشاند. آن حضرت ضمن بیان لیاقت و شایستگی خود برای امر حکومت، لزوم توجه به این معیار را در خطبه شقشقیه یادآور شده و می‌فرماید: «اما والله لقد تمصها فلان بن ابي قحافه و انه ليعلم ان محلي منها محل القطب من الرحا. ينحدر عنى السيل، و لا يرقى الى الطير»^۱.

آگاه باشید: به خدا سوگند، ابابکر جامه خلافت را بر تن کرد، در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند. او می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندی ارزش من نتوانند پرواز کنند.

شرایط لازم برای مدیریت شایسته جامعه از دید امام علی علیه السلام

از دید امام علی علیه السلام برای رهبری و اداره جامعه، توان علمی، لیاقت و تخصص مدیریتی در اداره جامعه و در دستیابی به توسعه همه جانبه لازم است. امام در نهج البلاغه در این مورد چنین فرموده‌اند:

«ایها الناس، و ان احق الناس بهذا الامر اقواهم عليه و أعلمهم بأمر الله فيه.»
ای مردم سزاوارترین اشخاص به خلافت آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد.^۲

این بدان معنا است که در منصب اداره مردمان، باید قویترین افراد از نظر مدیریت و تواناترین و نیز عالمترین افراد در مسائل دین باشند. این دو شرط در عالیترین مرتبه لازمه رهبری مردمان است و در مراتب پایین‌تر در دیگر مدیریتها باید ساری و جاری باشد.

استحقاق حضرت علی علیه السلام برای حکومت اجتماع آن روز، نه فقط به دلیل شجاعتها و رشادتهای بی نظیرش در راه اسلام یا پیشقدمی در قبول اسلام و یا خویشاوندی ایشان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و..... بوده بلکه به خاطر توان علمی، لیاقت و تخصص مدیریتی در اداره جامعه ایشان بود که رهبری را بر قامت رسای او سزاوار

۱- همان، ص ۴۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۳۲۷.



می ساخت .

امام علی علیه السلام با بیان دو مقدمه ارزش و اهمیت و دلیل حاکمیت اصل تخصص گرایي در نظام سیاسی را روشن می کنند:

مقدمه اول: کارها بوسیله کارکنان و کارگزاران راست و درست می شود.^۱
مقدمه دوم: آفت کارها، ناتوانی کارکنان است.^۲

امام علی علیه السلام در جای دیگر اصل تخصص گرایي را روشن تر مورد توجه قرار داده و آشکارا می فرمایند: کارها را بدست افراد متخصص و خیره بسپارید.^۳ به اعتقاد امام علی علیه السلام اصل شایسته سالاری که از عدالت سرچشمه می گیرد، نباید به هیچ قیمتی خدشه دار گردد. از این رو آن امام بزرگوار تضعیف حکومت خود و جنگهای متعدد از سوی دشمنانش را پذیرفت، ولی اصل مزبور را زیر پا نهاد. امام در نامه های فراوانی که خطاب به استناداران خود نوشته اند ضمن تأکید به رعایت اصل لیاقت و شایستگی در نصب کارگزاران، معیارها و ویژگیهای دقیقی را ذکر می کنند که نشانگر اهمیت این امر می باشد.

پرهیز از سپردن امور به نااهلان

از عوامل عمده ضعف و سستی مدیریتها، سپردن امور به کسانی است که شایستگی لازم برای آن امور را ندارند. یعنی افراد فاقد علم و قدرت، عدالت و تجربه، ناپخته و بی بصیرت و بی تدبیر، افراد خود رأی و مستبد و قدرت طلب، افراد تنگ نظر و کوته بین و خودخواه، افراد ترسو و آزمند، افراد بی پروا و بد سابقه و ... رهبران و پیشوایان حق اصرار داشته اند که چنین افرادی در مناصب مهم و مسئولیتها قرار نگیرند و خود از سپردن مسئولیتها به آنان پرهیز داشته اند، حضرت علی علیه السلام در

۱- عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی: بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنین علی علیه السلام «نظم الغرر و نضد الدرر»، بکوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، سال ۱۳۷۱، ص ۸۴.

۲- همان، ص ۷۰.

۳- جمال الدین محمد خوانساری: شرح غرر الحکم و دررالکلم، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۸.

سخنان خود در تبیین بر سر کار آمدن افراد نااهل و پیامدهای تصدی امور به دست نااهلان می‌فرماید: «همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد و امامت مسلمین را عهده دار شود، تا در اموال آنها حریص گردد، و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد که با ستم حق مردم را غصب و عظای آنان را قطع کند، و نه کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد زیرا در اموال و ثروت آنها حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد، و رشوه خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد زیرا که برای داوری با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال و حق را به صاحبان آنها نمی‌رساند و آن کسی که سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند.»^۱

در جای دیگر امام علی علیه السلام یکی از آفات حکومت و دولت را، حاکمیت افراد پست دانسته و می‌فرماید: ریاست و حاکمیت فرومایگان و بی تجربه‌ها تازه به دولت رسیده، نشانه انحلال و انحطاط دولتهاست،^۲

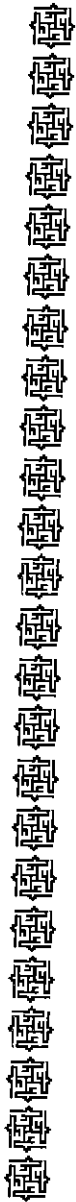
و آن حضرت نشانه برگشتن دولتها را در چهار عامل بیان می‌کند: ۱- کنار گذاشتن اصول ۲- تمسک به فروع ۳- مقدم داشتن مردمان فرومایه ۴- کنار زدن عالمان و اندیشمندان.^۳

بر اساس همین اندیشه‌ها امام علی علیه السلام سفارش می‌کنند: فرومایه را بر کسی که شرف و حسب و نسب دارد، ترجیح مده. ^۴ حضرت به خوبی آگاه بودند که حاکمیت اینگونه افراد با ایجاد فساد در سیستم سیاسی جز بدبختی و عقب ماندگی و انحطاط، ارمغان دیگری برای جامعه در پی نخواهد داشت. امام علی علیه السلام با توجه به پیامدهای ناگوار حاکمیت نااهلان به هیچ وجه حاضر نشد در سپردن مسئولیت‌ها به افراد مسامحه روا داشته و از اصول و معیارها عدول نماید. در عهد نامه خود به مالک اشتر به او یاد

۱- نهج البلاغه: خطبه ۱۳۱، ص ۲۴۹. ۲- همان، ص ۳۵.

۳- همان، ص ۶۷ و ۶۸.

۴- عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی: پیشین، ص ۷۳.





آور می‌شود که مبدا ناهلان را در مصدر امور قرار دهد و گمان کند که با یاری آنها می‌تواند به اداره درست امور بپردازد، و در این رابطه می‌فرماید: بدترین وزیران تو، افرادی هستند که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنها شرکت داشته‌اند، پس مبدا چنین افرادی محرم راز تو شوند، زیرا که ایشان یاوران گناهکاران و یاری دهندگان ستمکارانند. تو باید جانشینانی بهتر از آنان داشته باشی که قدرت فکری امثال آنها را داشته، اما گناهان و کردار زشت آنها را نداشته باشند. کسانی که ستمکاری را بر ستمی یاری نکرده، و گناهکاری را در گناهی کمک نرسانده باشند، هزینه اینگونه از افراد بر تو سبک‌تر، یاریشان بهتر، و مهربانی‌شان بیشتر، و دوستی آنان با غیر تو کمتر است،^۱ امام علی علیه السلام در دوران حاکمیت خود به هیچ قیمتی حاضر نگردید، ناهلان جایگزین شایستگان شوند و تحمیل سه جنگ جمل، صفین، نهروان در دوران کوتاه خلافت امام، به خاطر آن بود که حاضر نشدند برای یک لحظه ناهلان را در مصدر امور بپذیرند. از نظر امیر المؤمنین ابقای اشخاصی همچون معاویه به معنای نفی اسلام و سازش با کفر است و در این رابطه، می‌فرماید: «نباید خداوند مرا در حالی که از گمراهان بعنوان بازوی قدرت استفاده کرده‌ام ببیند.»^۲

امام قدرت طلبان را شایسته آن نمی‌دانست که مسئولیتی به ایشان سپرده شود و بر اساس سخن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «لن نستعمل علی عملنا من اراده». «ما هرگز کسی را که به دنبال حکومت و زمامداری است، در امورمان به کار نمی‌گماریم»^۳ از واگذاری مسئولیت به آنها خودداری می‌ورزید.

ابن قتیبه می‌گوید: طلحه و زبیر پس از بیعت همگان نزد امام علی علیه السلام آمدند و گفتند: ما بر این پایه با تو بیعت کردیم که در خلافت شریک باشیم، پس از گفتگوی آنها با امام، امام با ابن عباس به صحبت نشست و نظر او را جویا شد، او گفت آنها

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۱.

۲- نصر بن مزاحم مقری: وقعه صفین، تحقیق عبد السلام هارون، قم، مکتبه السرعشی نجفی، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۲

۳- سلیمان بن اشعث السجستانی ابو داوود: سنن ابی داوود، جلد ۲، قاهره، شرکه مکتبه و مطبعه الحلبی، ۱۳۷۱ ق، ص ۲۶۹، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری: صحیح البخاری، شرح و تحقیق قاسم الشماعی الرفاعی، جلد ۹، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ق، ص ۷۰۴.

خواهان خلافت هستند، بصره را به زبیر و کوفه را به طلحه واگذار کن، امام خنده‌ای کردند و گفتند: کوفه و بصره شهرهای ثروتمندی هستند، اگر آن دو به زمامداری آن شهر برسند، افراد سفیه و نادان را به سوی خود جلب نموده و اشخاص ضعیف را به سختی و مشقت می‌اندازند، اگر قرار بود کسی را به واسطه نفع و ضرر آن به کار حکومت گمارم، معاویه را بر شام می‌گماشتم، از حرص و آز آن دو بر حکومت کوفه و بصره ضرری متوجه من نخواهد شد.^۱

بنابر این از عمده‌ترین ضعفهای مدیریت، عدم توانایی در سپردن امور به شایسته‌ترین افراد و قرار دادن ایشان در مناسب‌ترین جایگاه است. این امر ممکن است آگاهانه یا نا آگاهانه صورت گیرد. از جمله علل پدید آمدن آن جهالت، رقابت، حسادت، حقارت، خصومت و خیانت است. ناتوانی در شناخت شایسته‌ترین افراد و به کار گرفتن ایشان، سبب بر سر کار آمدن افرادی می‌گردد که نمی‌توانند حق اداره امور را ادا کنند. مدیرانی که با علم به وجود افراد شایسته‌تر، غیر از ایشان را به کار می‌گیرند، باب خیانتی خانمان برانداز را بر خود و مردم خویش می‌گشایند. از امام علی علیه السلام روایت شده که: هیچ امتی امر (زمامداری) خویش را به عهده شخصی که آگاهتر از وی در میان آن است، نمی‌سپارد مگر اینکه روز به روز، کار آنان به مذلت و پستی کشیده شود تا آنکه به آنچه واگذاشته‌اند باز گردند.^۲

امام علی علیه السلام برای بنیان یک نظام سیاسی کارآمد و مطلوب رعایت اصل پرهیز از سپردن امور به افراد را با وجود شایسته‌تر از ایشان، لازم می‌داند. محمد بن ابوبکر یکی از اصحاب مخلص و با وفای امام علی علیه السلام بود که حکومت مصر را بعد از قیس بن سعد به عهده داشت. او فردی شایسته و با کفایت بود و امام نیز از مدیریت او رضایت داشتند. اما حضرت به این نتیجه رسیدند که با توجه به موقعیت و ویژگی خاص مصر و امکان نفوذ معاویه در آنجا، مالک اشتر برای ولایت آن منطقه

۱- ابن قتیبه دینوری: امامت و سیاست (تاریخ خلفاء) ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ ش، ص ۷۷ و ۷۸.

۲- سلیم بن قیس الیهلالی العامری الکوفی: کتاب سلیم بن قیس الکوفی، بیروت، دارالفنون للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۴۸.

مناسب تر و از شایستگی بالاتری برخوردار است، به همین دلیل محمد را عزل و مالک را به جای وی منصوب نمودند.^۱ امام علی علیه السلام شنیدند که محمد از عزل خود دلشنگ شده، پس خطاب به وی نوشتند:

«به من خبر داده اند که از فرستادن اشتر به سوی محل فرمانداری ناراحت شده ای، این کار را به دلیل کند شدن و سهل انگاری یا انتظار کوشش بیشتری از سوی تو انجام نداده ام، اگر تو را از فرمانداری عزل کردم، فرماندار جایی قرار دادم که اداره آنجا بر تو آسان تر و حکومت تو در آن سامان خوش تراست، و همان فردی را فرماندار مصر قرار دادم که نسبت به تو خیر خواه و به دشمنان ما سخت و درهم کوبنده است.»^۲

شایسته سالاری در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر

امیر المؤمنین در این نامه معیارهایی را در مورد انتخاب کارگزاران نظام اسلامی ارائه می دهند که این ضوابط نمونه و الگویی کامل رعایت اصل شایسته سالاری است. حضرت علی علیه السلام در این نامه در مورد گزینش افراد برای مسئولیت ها و منصب، معیارهایی همچون تعهد، تقوا، سابقه مثبت، تخصص، توان نظری و علمی و فنی و لازم برای انجام کار و اداره امور را لازم می دانند و ثمرات گزینش کارگزاران با این معیارها را موجب جلب اعتماد عمومی، اصلاح مفاسد و سر و سامان یافتن امور می دانند. حضرت علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر در مورد گزینش و انتخاب فرماندهان نظامی، قضات و کارکنان دولت ویژگیهایی را در چارچوب اصل شایسته سالاری بیان می دارند.

الف - انتخاب سرپرستان و فرماندهان قوای نظامی

- ۱- احمد بن ابی یعقوب «ابن واضح یعقوبی»: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۱ ش، ص ۹۹، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی: مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ص ۷۶۹.
- ۲- نهج البلاغه، نامه ۳۴ ص ۵۴۱.

حضرت علی علیه السلام در راستای اصل شایسته سالاری در مورد گزینش سرپرستان و فرماندهان قوای نظامی توصیه می‌کنند که از بین گروهها، افراد زیر، انتخاب کن:

بدوی المروات والاحساب - اهل البیوتات الصالحه - والسوابق الحسنه ^۱ - ثم اهل النجده والشجاعه والسخاء والسماحه ^۲

در میان دارندگان مروت، جوانمردی، و در بین افراد با نسب و حسب دنبال آنها بگردد. در میان خانواده‌های صالح که معتقد و پای بند به موازین دین خدا و شایسته و پاک و شریف هستند آنها را جستجو کن. از میان کسانی که دارای سوابق خوب هستند و در گذشته اهل خیانت و جنایت نبوده‌اند، دنبالشان بگردد. و در میان افراد و گروههای فوق، آنهایی را که اهل بزرگواری، شجاعت، سخاوت و گذشت هستند، انتخاب کن.

ب - انتخاب قضات

حضرت علی علیه السلام در انتخاب قضات به عنوان منصبی کلیدی در جامعه اسلامی تأکید روی گزینش شایسته‌ترین افراد می‌کنند:

«ثم اختر للحکم بین الناس افضل رعیتک فی نفسک» ^۳

«برای تصدی امر قضا، فاضل‌ترین و بهترین رعیت خود را برگزین» یعنی از نظر علمی و عملی وضعیت روحی و وجودی از دیگران بهتر و برتر باشد تا بتواند از پس چنین کار مهمی بر آید.

ج - انتخاب کارکنان دولت

حضرت علی علیه السلام در فرازی دیگر از نامه خود به مالک اشتر، گزینش کارکنان را مورد توجه قرار می‌دهند و تأکید فراوان بر رعایت اصل شایسته سالاری می‌کنند:

«فاستعملهم اختیاراً» ^۴ - «ولا تولم محاباه و اثره» - «فانها جماع من شعب

الجور و الخیانه» ^۵

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۴

۲- همان، ص ۵۷۶.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.





درگزینش کارکنان بر اساس آزمون و امتحان از آنان عمل کن و بر اساس اعطاء و بخشش (و اینکه بخواهی کار و خدمتی به آنها بکنی) یا بر پایه دلخواه خود به کار نگمار.

در اینجا حضرت علی علیه السلام تأکید دارند که واگذاری مسئولیت به کارکنان دولت نباید بر اساس معیاری غلط چون حاکمیت رابطه بر ضابطه باشد. در واقع درگزینش کارکنان دولت باید ضابطه جایگزین رابطه شود و اساس آن بر امتحان صلاحیت و آزمایش شایستگی شغلی افراد باشد.

زیرا واگذاری مشاغل و مسئولیت‌ها بدون رعایت اصل شایسته‌سالاری و صرفاً بر اساس اعطاء و بخشش و از روی دلخواه و هوی و هوس، شاخه‌ای از شاخه‌های ظلم و خیانت است. علاوه بر نکات ذکر شده کارکنان دولت از نظر حضرت علی «علیهم السلام» باید دارای صفات ذیل باشند:

- ۱- کارکنان را باید از میان افراد با تجربه و آزمایش شده انتخاب کرد. (هم به تعهد و هم به تخصص آنها توجه داشت).
- ۲- اهل حیاء باشند.
- ۳- از خانواده‌های صالح باشند.
- ۴- در اسلام پیش قدم باشند.

نتیجه‌گیری

مدیریت از دید حضرت علی علیه السلام یک امانت و تکلیف از جانب خداوند در دست انسانها و شایستگان این منصب است و بر اساس اصل شایسته‌سالاری در مدیریت اسلامی است که می‌توان جامعه و مردمانش را به سوی رشد و تعالی و کمال سوق داد. در نظام اسلامی امام تأکید دارند که افراد فاضل، کریم و شایسته مسئولیت‌ها را در سطوح و پستهای مختلف اجتماع (مدیریت‌های خرد و کلان) بر عهده گرفته و از اینکه این مناصب در دست افراد ناشایسته قرار گیرد پرهیز شود، چرا که بساعت انحطاط و سستی اجتماع و مردمانش خواهد شد و خیانت در امانت الهی صورت می‌گیرد.

فهرست منابع

- ۱- نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی، قسم، انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
- ۲- ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالحیاء الکتب العربیه، ۱۳۵۸ هـ / ۱۹۶۵ م.
- ۳- البخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل: صحیح البخاری، شرح و تحقیق قاسم الشماعی الرفاعی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ق.
- ۴- ابو داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی: سنن ابو داود، قاهره، شرکه مکتبه و مطبعه الحلبي، ۱۳۷۱ ق.
- ۵- التمیمی، ابو حنیفه النعمان بن محمد: دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا و الاحکام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، القاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۹ ق.
- ۶- خوانساری، جمال الدین محمد: شرح غرر الحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ۷- دینوری، ابن قتیبه: امامت و سیاست (تاریخ خلفاء)، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ ش.
- ۸- قزوینی، عبدالکریم بن محمد یحیی: بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنان علی علیه السلام (نظم الغرر و نقد الدرر)، بکوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، سال ۱۳۷۱ ش.
- ۹- المحمودی، محمد باقر: نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، مؤسسه التضامن الفکری، ۱۳۸۵-۱۳۹۷ ق.
- ۱۰- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین: مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ ش.
- ۱۱- منقری، نصر بن مزاحم: وقعه صفین، تحقیق عبد السلام هارون، قم، مکتبه المرعشی النجفی، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۲- الهلالی العامری الکوفی، سلیم بن قیس: کتاب سلیم بن قیس الکوفی، بیروت، دارالفنون للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۰ ق.
- ۱۳- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۱ ش.